

جزوه حقوق مدنی 5 pdf

برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید

نمونه متن جزوه:

عقد مشارکت مدنی عبارتست از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی شریک با سهم الشرکه نقدی و یا غیرنقدی شریک دیگر (دولت یا بانک) به نحو مشاع برای انجام کاری معین در زمینه فعالیتهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود به قصد انتفاع بر حسب قرارداد. برای درک بهتر به مثال توجه نمایید:

به طور مثال دولت میخواهد در یک پروژه عمرانی مانند سد سرمایه گذاری کند. به این منظور وزارت نیرو مأمور میشود برای جذب سرمایه مردم اوراق مشارکت صادر نماید. در این فرض دولت مقداری از سرمایه پروژه را تامین و مابقی آن را در قالب مشارکت مدنی از طریق فروش اوراق مشارکت بدست میآورد. با تجمیع منابع فوق (سرمایه دولت و منابع مالی حاصل از فروش اوراق مشارکت) پروژه سد به اتمام میرسد. پس از بهرهبرداری سد، سود حاصل از فروش آب و برق، به نسبت سرمایه بین سرمایه گذاران تقسیم میشود. مثال ذکر شده نمونههای از مشارکت مدنی محسوب میشود.

1. تفاوت افراز با تفکیک: در تفکیک وجود حالت اشاعه ضرورت ندارد و ملک با داشتن مالک واحد قابل تفکیک است؛ ولی در افراز باید حالت اشاعه وجود دارد.

1

از مطالب گفته شده چنین نتیجه گیری میشود که مشارکت مدنی برخلاف مفهوم ارائه شده در ماده 571 قانونمدنی یک عقد است. در واقع تعریفی که ماده 571 قانون مدنی از شرکت بدست میدهد تعریف عقد شرکت نیست. زیرا در آن توافق ارادتین جهت ایجاد اثر حقوقی عقد موجود نمیشود. ولی مشارکت مدنی یک عقد است. چون طرفین آن توافق بر انجام کاری جهت بدست آوردن سودی از طرق اشاعه اموال و حقوق خود، میکنند. و در اموال خود به لحاظ حقوقی اشاعه ایجاد میکنند.

تعریفی که قانون مدنی در ماده 571 از شرکت بدست میدهد اثر عقد است و نه خود عقد. مانند اشتباهی که قانون گذار در ماده 183 قانون مدنی مرتکب شده و تعهد را که اثر عقد میباشد، به عنوان خود عقد تعریف کرده است.

شرکت در مفهوم حقوق تجارت

در حقوق تجارت شرکت به مفهوم یک شخصیت حقوقی است. شخص حقوقی لزوماً تجاری نیست. به عنوان مثال دولت بزرگترین شخصیت حقوقی است یا موسسات غیر انتفاعی یا موسسات خیریه که شخصیت حقوقی دارند ولی لزوماً تجاری نیستند.

منظور از شخصیت حقوقی مجموعه‌ای از اشخاص یا اموال است که به منظور خاصی گرد هم آمدند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف میشناسد.

شرکت تجاری

مجموعه‌ای از اشخاص و اموال که به منظور تجارت یا سودآوری گرد هم جمع شده‌اند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف میشناسد، شرکت تجاری مینامند. در این مفهوم شرکت خود یک شخصیت حقوقی مستقل از اجزای تشکیل دهنده آن است. و اشخاصی که این نوع شرکت را تشکیل میدهند یک حق دینی بر این شرکت دارند. ولی در شرکتهای مدنی حق شرکاء در مال موضوع شرکت یک حق عینی است. به این صورت که شریک مشاع مستقیماً بر مال موضوع شرکت مدنی حق دارد و میتواند آن را بفروشد. ولی در شرکتهای تجاری شریک نمیتواند مال شرکت را بفروشد زیرا آن مال متعلق به شرکت است.

پس حق شرکاء در شرکت به مفهوم تجاری مجزا از حق شرکاء در شرکت به مفهوم مدنی است.

مطابق ماده 571 قانون مدنی¹ سبب شرکت ممکن است اختیاری و یا قهری باشد.

سبب اختیاری شرکت

شرکت اختیاری وضعیت اشاعهای است که در اثر عمل حقوقی بوجود آمده است. اگر عقدی سبب بوجود آمدن شرکت شده باشد در این صورت شرکت اختیاری است. ماده 573 قانون مدنی سبب اختیاری شرکت را اینچنین بیان میکند: "شرکت اختیاری، یا در نتیجه ی عقدی از عقود حاصل می شود یا در نتیجه ی عمل شرکاء از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازای عمل چند نفر و نحو این ها".

سبب قهری شرکت

منشاء سبب شرکت قهری یک واقعه حقوقی است و نه یک عمل حقوقی. ماده 573 قانون مدنی در مورد شرکت قهری و سبب آن میگوید: "شرکت قهری، اجتماع حقوق مالکین است که در نتیجه ی امتزاج یا ارث، حاصل می شود". بطور مثال وقتی شخصی فوت میکند وراثت بصورت مشاع در ماترک سهم میشوند. و در شکل گیری آن اراده اشخاص دخالتی نداشته است.